

The Bases and Exceptions of Privacy in Islam and Law of Iran from the Public Law Point of View

Farid Mohseni¹

Mohamad Hosein Miremad²

Privacy and its theoretical issues are in direct relation with governments since the expansion of Privacy and its realm are desirable to individuals and legal entities on the one side, and on the other side the governments, under the political and security reasons, are trying to minimize the realm of privacy in order to get access to information and get permissions for violating this absolute humanitarian right .

This research attempts to answer the main questions that what are the bases of privacy?, and what are the exceptions considered thereon in regard with Islamic resources? Consequently, the first step is to look at privacy from public law point of view; furthermore, determine the bases of respecting privacy to support the rights of people and the related exceptions to support the government and the society. Therefore, studying the Islamic resources, we categorized the bases of respecting privacy as: Respecting human dignity, Respecting the righteous people (Mu'min), forbiddance of molesting of people, trustworthiness, prevention of dissemination of prostitute, and keeping ethics .It is clear that the rights of people have been emphasized by Islam, but on the other side, the rights of the society in general which represented by government must be considered as well. Generally, the exceptions toward privacy can be listed as governmental authorities, enemies, domestic hypocrites, children from their parents' side, the sinner, the ruthless ruler, security breachers, and heretics. In the rest, the stand of privacy in the law of Iran has been studied and the principles of the constitution and the vision document eventuated to the enactment of the comprehensive plan of communication and information technology. Even though the bases of privacy limitations have been used in accord with the Islamic subjects, there are some misinterpretations through the opened issues .

Keywords: Privacy, Islam, Exceptions, Constitution, the comprehensive plan of communication and information technology

¹ Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Judicial Sciences mohseni@afra.net.com

² Master of Criminal Law and Criminology (Corresponding Author)

مبانی و استثنائات حریم خصوصی در اسلام و حقوق ایران از دیدگاه حقوق عمومی

فرید محسنی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۱

محمدحسین میرعماد**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۰

چکیده

حریم خصوصی و مباحث نظری در ارتباط مستقیم با مسأله حکومت می باشد چراکه از طرفی برای اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی گسترش حیطة و دایره حریم خصوصی به دلایل گوناگون مطلوب بوده و از طرف دیگر معمولاً حکومت‌ها نیز به دنبال اهداف عمدتاً سیاسی و امنیتی خود، در پی کوچک سازی مرزهای حریم خصوصی اشخاص و دست یافتن به مجوزهایی برای ورود و نقض این حق مسلم بشری بوده اند. تحقیق پیش رو، در صدد پاسخگویی به این پرسش اصلی می باشد که مبانی حریم خصوصی چیست و استثنائات وارد بر آن با توجه به آیات و روایات چه می باشد. در این راستا قدم اول در وصول به هدف آن است که از زاویه دید حقوق عمومی، مبانی احترام حریم خصوصی در حمایت از افراد و نیز استثنائات وارد بر آن در حمایت از حکومت به نمایندگی جامعه، مشخص و معلوم گردد؛ لذا منابع اسلامی به عنوان زیربنای اصلی نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس آن، مبانی حمایت از حریم خصوصی را می توان این گونه در پنج اصل احصاء کرد: پاسداشت کرامت انسانی؛ احترام به حریم و حرمت مؤمن؛ حرمت اذیت و آزار دیگران خصوصاً مومنین؛ امانت‌داری و رازداری؛ منع اشاعه فحشاء در جامعه و حفظ سلامت اخلاقی. به این ترتیب حقوق مردم از بعد فردی در جامعه مورد تاکید اسلام واقع شده است ولی از آن سو، حقوق جامعه در نگاه کلان که حکومت نماینده آن می باشد، نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در یک جمع بندی کلی، استثنائات وارد بر حریم خصوصی از نگاه آیات و روایات به این موارد منتهی می شود: «کارگزاران حکومتی؛ دشمنان خارجی؛ منافقین و معاندین داخلی؛ کودک و نوجوان از جانب اولیاء خود؛ فرد فاسق؛ حاکم ظالم؛ مخلان امنیت و بدعت‌گذاران». در ادامه جایگاه حریم خصوصی در حقوق ایران مورد بررسی قرار گرفت و اصول قانون اساسی و سند چشم انداز که منجر به تصویب طرح جامع ارتباطات و فناوری اطلاعات گردید، مورد بررسی قرار گرفت. در طرح جامع ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز اگرچه در مبنای تحدید حریم خصوصی تطابق‌هایی با مبانی اسلامی به چشم می خورد ولی در لابلای مباحث دیگر پنهان و به نادرستی‌هایی آمیخته شده است.

واژگان کلیدی:

حریم خصوصی، اسلام، استثنائات، قانون اساسی، طرح جامع ارتباطات و فناوری اطلاعات

مقدمه

در مقام حضور انسان است که حق انسان نسبت به تمامیت مادی و معنوی خود معنی و مفهوم پیدا میکند. انسانی که در خفا و خلوت و به دور از چشمان دیگران و بدون ارتباط با افراد نوع بشر زندگی کند طرح بحث حریم خصوصی در مورد وی بی معناست. حق انسان به تنها بودن و با خود بودن، به وسیله دیگران مورد احترام قرار گرفتن، به دور از چشم و نگاه کنترل کننده‌ی دیگران و رها از تجسس و تفتیش دیگران زیستن حقی است که لازمه‌ی یک شخصیت مستقل به شمار می‌آید. (رحمدل، ۱۳۸۴، ص ۳۶) با این وجود هرچه آدمیان طعم زندگی در اجتماع را بیشتر چشیدند نیاز به استقرار نظم و انضباط در پرتو حکومتی مقتدر و واجب‌الاطاعه را نیز بیشتر فهمیدند تا بتوانند در سایه وجود آن سریعتر مسیر تکامل را بیمایند.

همزمان با تشکیل و تکمیل جوامع و حکومت‌ها، نیازهای دوطرفه و البته در موارد قابل توجهی متعارض بین مردم و حکومت‌ها شکل گرفته است که پاسخ به آن‌ها تأمل برانگیز است. یکی از این موارد مورد مناقشه، حریم خصوصی و حق خلوتی است که می‌توان آن را یکی از اساسی‌ترین نیازهای روحی و ذهنی بشری و بستر رشد سایر اهداف آن‌ها در طول تاریخ بیان کرد که پرداختن به آن، هم برای افراد و هم برای حکومت‌ها بسیار پراهمیت و شایان توجه است؛ چراکه از طرفی برای اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی گسترش حیطه و دایره حریم خصوصی به دلایل گوناگون مطلوب بوده و از طرف دیگر معمولاً حکومت‌ها نیز به دنبال اهداف عمدتاً سیاسی و امنیتی خود و در مواردی نیز اشخاص حقیقی و حقوقی در پی کوچک سازی مرزهای حریم خصوصی اشخاص و دست یافتن به مجوزهایی برای ورود و نقض این حق مسلم بشری بوده‌اند.

در موضوع حریم خصوصی به همان میزانی که تعریف حریم خصوصی مهم است، تعیین استثنائات وارد بر این قاعده نیز از اهمیت ویژه برخوردار است. تحقیق پیش رو ما را با این پرسش اصلی روبرو خواهد کرد که مبانی حریم خصوصی و استثنائات آن چیست و آیا این اصول و مبانی در قانون اساسی و همچنین "طرح جامع ارتباطات و فناوری اطلاعات" که بر اساس سند چشم‌انداز تدوین شده است، لحاظ و مورد دقت واقع شده است یا خیر. با این ترتیب به سوالات فرعی ای همچون چیستی تعریف

حریم خصوصی، مبانی حریم خصوصی و استثنائات حریم خصوصی در اسلام در جریان تحقیق پاسخ داده خواهد شد.

۱. مفهوم شناسی حریم خصوصی

حریم خصوصی علی‌رغم بدیهی بودن اهمیت و لزوم آن در طول تاریخ و بخصوص دنیای فعلی ما هنوز تعریفی واضح و مورد اتفاق حقوقدانان پیدا نکرده و در هر نظام حقوقی با توجه به بسترهای آن، نگاه و به تبع آن تعریفی متفاوت از خود پیدا کرده است. به طور کلی حریم خصوصی یک مفهوم سیال است که امروزه از جمله آزادی اندیشه، کنترل بر جسم خود، خلوت و تنهایی در منزل، کنترل بر اطلاعات راجع به خود، آزادی از نظارت‌های دیگران، حمایت از حیثیت و اعتبار خود و حمایت در برابر تفتیش‌ها و تجسس‌ها را شامل می‌شود (انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۴) و شاید بتوان از علل ناپایداری و سختی ارائه تعریفی جامع و مانع از آن، تغییر سبک زندگی انسان‌ها را در طول تاریخ دانست. در اینجا به طور مختصر، دیدگاه حقوق غربی و حقوق ایران را نسبت به مفهوم حریم خصوصی بیان می‌کنیم.

۱-۱. دیدگاه حقوق غربی

حریم خصوصی در غرب که از ورود آن به مجامع علمی جهت بررسی و پردازش، در مقایسه با اسلام دیری نمی‌پاید و حقیقتاً مفهوم نسبتاً نوپا و نوظهوری است. حقوقدانان غربی از حریم خصوصی تعاریف گوناگونی ارائه داده‌اند ولی در یک جمع بندی می‌توان عناصر اصلی آن تعاریف را این گونه تجمیع و برشمرد:

- «حق شخص مبنی بر اینکه تنها (به حال خود) رها شود.

- تمایل اشخاص به اینکه آزادانه تصمیم بگیرند که تحت هیچ شرایطی و تا چه

میزانی خود، وضعیت و رفتارشان را برای دیگران فاش کنند.

- حق اشخاص دائر بر اینکه در مقابل در مقابل هرگونه مداخله در زندگی یا امور

شخصی یا امور خانوادگی از طریق ابزارهای فیزیکی یا افشای اطلاعات مصون بمانند.

- حریم خصوصی متشکل از سه رکن است: گمنامی، محرمانگی و تنهایی»
(محسنی، ۱۳۸۹، ص ۲۸)

۱-۲. دیدگاه حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران چه در اصول قانون اساسی و چه در قوانین عادی و... حریم خصوصی تحت عنوان خاص و مشخص تعریف و مورد حمایت رسمی قرار نگرفته است و به طور پراکنده و در ضمن سایر مباحث حقوقی از آن صحبت به میان آمده است. از مجموع تعاریف و معیارهای ارائه شده چنین بر می آید که دو ضابطه برای شناسایی مصادیق مشمول این حریم وجود دارد:

- ضابطه نوعی: به موجب این ضابطه، برخی جنبه های زندگی انسان ها نوعا یا عرفا حریم خصوصی آن ها محسوب شده و در صورت نقض آن، مرتکب باید اثبات کند که مدعی نقض به نحو ضمنی یا صریح از حریمش عدول کرده است.

- ضابطه شخصی: بر اساس این ضابطه، هر فردی می تواند بنا به تشخیص و علاقه خود قسمت هایی از زندگی اش را مشمول حریم خصوصی خود اعلام کند. (انصاری، ۱۳۸۳، ص ۳۸)

در نتیجه با توجه به مطالب فوق می توان در این پژوهش بر تعریف ذیل که از حریم خصوصی ارائه شده است بعنوان مبنای در نظر گرفته شده ی کار خود اتفاق داشته باشیم:

« قلمرویی از اطلاعات و متعلقات هر فرد است که آن فرد نوعا یا عرفا یا با اعلام قبلی به نحو معقولی انتظار عدم دسترسی دیگران به اطلاعات مربوط به آن و مصونیت از ورود، نگاه و نظارت دیگران و یا هرگونه تعرض نسبت به آن قلمرو را دارد.» (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۳۵)

۲. حریم خصوصی در اسلام

موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی، موضع به اصطلاح «تحویل گرایانه» (۱) است؛ یعنی حریم خصوصی در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگر حمایت شده‌اند. (انصاری، ۱۳۸۳، ص ۶۵) لذا در متون فقهی و کتب روایی شیعه بحثی تحت عنوان حریم خصوصی نداریم؛ البته این نکته به هیچ وجه بیانگر خلاء دستورات و راهنمایی‌ها و نبود برنامه جامع زندگی در این حیطة در دین مبین اسلام و مذهب تشیع نبوده و نیست، بلکه مباحث مربوط به آن در لابلاى موضوعات دیگر بیان و به خوبی پرداخته شده است.

اهم مباحث مرتبط با حریم خصوصی را می‌توان در متون فقهی و روایی و نیز در آیات قرآن کریم تحت این عناوین یافت که به دلیل اختصار در نگارش این مقاله، از شرح آن‌ها امتناع کرده و به مبانی حریم خصوصی در اسلام می‌پردازیم.

- ممنوعیت استراق بصر و سمع
- ممنوعیت تجسس و تحسس
- ممنوعیت سوءظن
- ممنوعیت نیمه و غیبت
- ممنوعیت ورود به منازل بدون إذن
- ممنوعیت افشای اسرار دیگران

مبانی حمایت از حریم خصوصی در اسلام در مقولات زیر قابل طرح می‌باشد:

۲-۱. دلیل عقلی

برای حریم خصوصی و بیان مبانی و دلایل لزوم و حمایت اسلام از آن، بهتر است ابتدا به مبنای عقلی و دلایلی که به حکم عقل سلیم نوع انسان، موجبات اثبات آن فراهم می‌شود پرداخت.

بر پایه این دو اصل و شالوده استوار یعنی "حرمت تجسس و حرمت پنخش اسرار شخصی مردم" است که زندگی توده‌های مردم بنیان‌گذاری شده است. امنیت و آسایش خاطر همگانی مردم نیز فقط با مراعات این دو اصل فراهم می‌گردد. (منتظری، ۱۴۰۹، ص ۵۱۶، ق،

ج ۴، ص ۲۸۴) وجود حریم خصوصی و لزوم حفظ و احترام به آن از مسلمات و ملزومات زندگی اجتماعی است. انسان‌ها از ابتدای خلقت تا به حال همیشه از احساس خلوت و تنهایی و اینکه مکانی هست که فقط متعلق به خودشان هست و کسی در آنجا نمی‌تواند به آنها تعرضی کند لذت می‌برده‌اند. به حکم عقل می‌توان گفت که هیچ انسانی در حالت عادی بر انسان دیگری ولایت و تسلط و برتری ندارد و به تبع آن در حریم خصوصی دیگری مجوز ورود و تصرف نخواهد داشت. در حالیکه تجسس و به عبارت بهتر نقض حریم خصوصی افراد و در پی آن افشای احتمالی اطلاعات مربوطه، به نوعی تصرف و حکایت از برتری فردی بر دیگری به شمار می‌آید که با ممنوعیت حکم عقل مواجه خواهد شد.

از منظری دیگر در چارچوب مبانی عقلی به این موضوع باید گفت که نفس ظلم در نزد عقل امری قبیح و ناپسند است و عدم احترام به حریم خصوصی افراد به نوعی ظلم به کسی است که حریمش نقض شده است.

۲-۲. دلیل نقلی

۲-۲-۱. اصل پاسداری کرامت انسانی

انسان به عنوان اشرف مخلوقات و خلیفه و جانشین خداوند در زمین، در اسلام از جایگاه و مقام خاصی برخوردار است و در ادبیات قرآن و روایات موارد بسیاری وجود دارد که بر لزوم حفظ این کرامت و پاسداری آن صرف نظر از دین و آیین و مذهب صحه گذاشته‌اند. در قرآن کریم نیز در سوره اسراء (۲) خداوند متعال می‌فرماید: «ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم، و از انواع روزیهای پاکیزه به آنها روزی دادیم، و بر بسیاری از خلق خود برتری بخشیدیم.» مراد از آیه، بیان حال جنس بشر است، در نتیجه نه تنها حضرت آدم، بلکه نسل انسان مورد کرامت و برتری و گرامیداشت است و مقصود از تکریم اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، صص ۲۱۴ و ۲۱۵)

پیامبر اکرم (ص) نیز در تکریم نوع انسان می‌فرماید: «ما شیءٌ اُکرمٌ علی الله من ابن آدم». «هیچ چیز نزد خدا گرامی‌تر از فرزند آدم نیست». (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳)

۲-۲-۲. اصل احترام به حریم و حرمت مومن

خدای متعال در ضمن احترام و شأنی که برای انسان بما هو انسان قائل است، اهمیت و احترام و مقامی صدچندان برای مسلمین و علی‌الخصوص مؤمنین قائل شده‌اند. البته همانطور که در بند قبل بیان داشتیم؛ نگاه اسلام در تکریم و احترام به انسان فارغ از دین و آیین و رنگ و نژاد است و تشیع و ایمان و تقوای بیشتر عاملی برای احترام مضاعف برای آنها محسوب می‌شود. مؤید این مطلب می‌تواند آن چیزی باشد که در اصطلاح عموم به میثاق مدینه نامیده شده است. در واقع پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم با انعقاد این قرارداد در مدینه حقوق متقابل اقلیت‌ها و کفار را به رسمیت شناخته و آنها را در حقوق اولیه خود با مسلمانان برابر و یکی اعلام می‌کند. (سالارزایی، ۱۳۹۰، ص ۴۷)

در متون دینی فقط در مورد کفار و آن‌هم کفار حربی که در تقابل و نزاع با اسلام و مسلمین هستند، آمده است که جان و مال و ناموس آنها احترامی ندارد که می‌توان به تبع آن قائل به این شد که حریم خصوصی آنها احترامی ندارد. (کدیور، ۱۳۸۶، ص ۵۳)

۲-۲-۳. امانتداری و رازداری

یکی دیگر از مبانی حمایت اسلام از حریم خصوصی افراد در جامعه، وجوب امانت‌داری و رازداری نسبت به دیگران است. که در این قسمت به نقل نمونه‌ای از روایات مرتبط با آن می‌پردازیم.

امام باقر (ع) فرمودند: "بنده روز قیامت محشور شود و خونی به گردن ندارد و به اندازه یک خونِ حجامت یا بیشتر به او داده شود و به او گفته شود: این است بهره تو از

خون فلان کس، و او بگوید: پروردگارا! به راستی تو می‌دانی که جان مرا گرفتی و من خون کسی را نریخته بودم، در پاسخ می‌گوید: آری، تو از فلانی روایتی چنین و چنان شنیدی و آن را بر ضرر او روایت کردی و آن روایت نقل شد تا به فلان جبار رسید و او را کشت و این سهم و بهره تو است از خون او." (کلینی، ۱۴۰۷ه.ق، ج ۲، ص ۳۷۲)

۲-۲-۴. اصل منع اشاعه فحشاء در جامعه

یکی از مهم‌ترین دلایلی که باعث شده اسلام بر حمایت و مصونیت مرزهای حریم خصوصی افراد تاکید کند، منع اشاعه فحشاء و زشتی‌های اخلاقی در جامعه مسلمانان است. البته ارتباط بحث منع اشاعه فحشاء با حریم خصوصی از چند جهت است؛ اولاً اینکه اکثر قریب به اتفاق گناهان در خفا و به صورت پنهانی صورت می‌گیرد، چه این گناهان از نوع و سنخ مسائل اخلاقی و روابط جنسی بوده و چه اینکه به غیر آن مربوط شود. ثانیاً اینکه حتی امور غیر حرام ولی محرمانه مردم مثل روابط زناشویی اگر در بین عموم و سایرین بر ملا شود جنبه منافی عفت عمومی پیدا میکند. ثالثاً اینکه خود امور پنهانی و خصوصی مردم، صرف نظر از چیستی و چگونگی آن، معمولاً جذابیت بالایی برای افراد داشته و از ریزش سنگ‌های بنای جامعه و زندگی جمعی جلوگیری.

خدای متعال در آیه ۱۹ سوره مبارکه نور به ممنوعیت اشاعه فحشاء در جامعه تصریح کرده و می‌فرماید: (۳) «آنان که دوست می‌دارند که در میان اهل ایمان کار منکری را اشاعه و شهرت دهند آنها را در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۲۶) پس ممنوعیت اشاعه فحشا در مبنا بودن آن برای حمایت از حریم خصوصی افراد در جامعه به وضوح نمایان است. چرا که اشاعه فحشاء راه و طریقی جز نقض حریم خصوصی افراد و افشای اطلاعات آن‌ها ندارد؛ و سلامت اخلاقی جامعه مسلمانان تضمین نمی‌شود مگر اینکه حریم خصوصی مورد حمایت و مصون از نقض قرار گیرد.

۳. استثنائات وارد بر حریم خصوصی

موارد بررسی شده‌ای که در ادامه طرح می‌گردند در دو دسته کلی از بعد نظارت، آن هم از نگاه پیشینی و پسینی که در رسیدن به هدف نهایی طریقت دارند تقسیم‌بندی و گنجانده شده‌اند. همچنین اینکه مبحث استثنائات حریم خصوصی در این نوشتار، در واقع بیان افرادی است که نقض حریم خصوصی‌شان موضوع این بحث و در نتیجه عنوانی برای هر تقسیم‌بندی و گروه مستثنی قرار گرفته است.

۳-۱. استثنائات در نظارت پیشینی

حریم خصوصی گروه‌هایی از افراد در متون اسلامی از این جهت مورد نقض و استثناء قرار گرفته است که دسترسی به اینگونه اطلاعات، نوعی نظارت پیشینی در راستای اهداف مورد نظر است. به همین جهت سعی شده اسن تا این گونه افراد در یک تقسیم بندی در کنار هم بررسی شوند:

۳-۱-۱. کارگزاران حکومتی و لشکری

امیر المؤمنین (ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر هنگامی که او را به فرمانداری مصر انتخاب می‌کند به لزوم گماردن جاسوسانی جهت نظارت و مراقبت کارگزاران دولتی تصریح و اینگونه می‌نویسد:

"نَفَقَدُ أَعْمَالَهُمْ وَأَبْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السَّرِّ لِأَمْرِهِمْ حَدُوءٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ وَتَحَفُّظِ مِنَ الْأَعْوَانِ فَإِنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَتِهِ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ، اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَلَدِنِهِ" (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو، و وفا پیشه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت داری، و مهربانی با رعیت خواهد بود. و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن و ... بنا بر آنچه که نقل گردید، جایی که می‌بینیم امیر المؤمنین

علی (ع) نسبت به مراقبت کارگزاران دولت، از خود اهتمام نشان می‌دهد و به مالک اشتر دستور می‌دهد که بازرسان مخفی بر آنان بگمارد، بناچار باید بپذیریم که شخص آن حضرت نیز به کارگزاران حکومت خود «عیون» و بازرسان مخفی می‌گماشته است. (منتظری، ۱۴۰۹ه.ق، ج ۴، ص ۳۱۳)

۳-۱-۲. دشمنان خارجی

احساس خطر و تهدید از سوی دشمنان در همه کشورها مخصوصاً کشورهای اسلامی در همه اعصار گذشته وجود داشته و به شهادت تاریخ، هرچه که می‌گذرد خطر دشمنان برای کشورهای اسلامی بخصوص شیعیان بیشتر هم شده است. به طوری که با کمترین کوتاهی و غفلتی از سوی مسلمین، دشمنان خارجی فرصت تجاوز و زیاده خواهی را به خود داده و بر ممالک اسلامی تجاوز می‌کنند. این اقدامات به دو بخش قبل و حین جنگ تقسیم می‌شود که به وظایف نیروهای استخبارات و یا به تعبیر دیگر اطلاعات مربوط می‌شود که در پی آن حریم خصوصی نیروهای دشمن نقض و اطلاعات آن در اختیار فرماندهان نظامی مسلمانان قرار می‌گیرد تا علیه خود آنان مورد استفاده قرار بگیرد.

الف. قبل از درگیری و جنگ

در قرآن در مورد داستان حضرت سلیمان و فرستادن هدهد به سرزمین سبا به بحث نقض حریم خصوصی ملکه با حکومت وی می‌پردازد. (نمل / ۲۰-۲۷) در این آیات چند نکته مرتبط با بحث ما وجود دارد که می‌توان از آن برای موارد استثناء در حریم خصوصی استفاده کرد:

اول این که هدهد بعد از بازگشت از سبا، خبری از پادشاه آن سرزمین برای حضرت سلیمان می‌آورد که این خبر و گزارش هدهد شامل چند مطلب است: (وضعیت حکومت و حاکم آن، چگونگی دربار و عمارت آن، اعتقادات و دین مردم و جامعه آنها)، پس با این وضعیت، این گزارش هدهد گزارشی کامل از وضعیت یک کشور است که بعد از ارائه به حضرت سلیمان، مورد عتاب یا سرزنش ایشان مبنی بر اینکه کار او قبیح یا اشتباه بوده روبرو نمی‌شود.

دوم اینکه حضرت سلیمان (ع) به صرف گزارش هدهد و قبل از تحقیق و تفحص و روشن شدن مطلب، دست به اقدامی نزد و هرگونه تصمیم‌گیری در مورد هدهد و گزارشش را منوط به بررسی صحت و سقم آن میکند و میگوید که (قَالَ سَتَنْظُرُ أَ صَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ) با واکاوی بیشتر معلوم می‌شود که هدهد راستگو بوده یا دروغگو یعنی به دنبال تبیین و شفاف سازی خبر واصله برمی‌آید.

سوم اینکه حضرت سلیمان نامه‌ای را برای ارسال به ملکه سبا آماده و به هدهد داده و می‌گوید که آن را برده و بعد از رساندن ببیند که آنها چه می‌گویند. پس در واقع هدهد از جانب حضرت سلیمان مأموریت استراق سمع و نیز استراق بصر را دریافت می‌کند تا اخبار و گزارش آن را برای حضرت برگرداند چرا که کسب خبر از چگونگی و محتوای گفتگوهای آنها جز بصورت پنهانی و نامحسوس امکان نداشته و آنها نیز از اینکه کسی در حال نظاره و گوش کردن است بی‌اطلاع و قاعدتا به تبع آن ناراضی نیز بوده اند.

ب. در حین جنگ

سفارش پیامبر (ص) به اسامه بن زید، فرمانده لشکر در جنگ روم نیز حکایت از لزوم استفاده از نیروهای اطلاعات در جنگ‌ها و کسب پنهانی اخبار از دشمن دارد. چنانکه می‌فرمایند: «خُذْ مَعَكَ ادْلَاءَ وَقَدِّمِ الْعِيُونَ وَالطَّلَائِعَ اِمَامَكَ.» از راهنما استفاده کن و عیون و طلائع را پیشاپیش خود داشته باش. در صراحت کامل پیامبر با توجه به این روایت دستور استفاده از جاسوسان را در جنگ صادر می‌فرمایند. (مجلسی، ۱۴۰۷ه.ق، ج ۲۱، ص ۴۱۰)

امیرالمومنین (ع) نیز به لشکری که آن را به سوی شام و معاویه فرستاد اینگونه توصیه می‌کند:

«وَاجْعَلُوا لَكُمْ رُقَبَاءَ فِي صَيَاصِي الْجِبَالِ وَ مَنَايِبِ الْهَضَابِ لِئَلَّا يَأْتِيَكُمْ الْعَدُوُّ مِنْ مَكَانٍ مَخَافَةً أَوْ أَمْنًا وَ اغْلَمُوا أَنْ مُقَدِّمَةَ الْقَوْمِ عِيُونُهُمْ وَ عِيُونَ الْمُقَدِّمَةِ طَلَائِعُهُمْ.» (نهج البلاغه، نامه ۱۱)

«لشکرگاه خویش را بر فراز بلندی‌ها، یا دامنه کوه‌ها، یا بین رودخانه‌ها قرار دهید، تا پناهگاه شما، و مانع هجوم دشمن باشد، جنگ را از یک سو یا دو سو آغاز کنید، و در بالای قلعه‌ها، و فراز تپه‌ها، دیده‌بانهایی بگمارید، مبدا دشمن از جایی که می‌ترسید یا از

سویی که بیم ندارید، ناگهان بر شما یورش آورد! و بدانید که پیشاهنگان سپاه دیده‌بان لشکریانند، و دیدبانان طلایه داران سپاهند.»

واضح است که مسأله دیده بان و کسی که از دشمن و اطلاعات نظامی آن‌ها تجسس و تفتیش کرده و آن‌ها را در اختیار سپاه اسلام قرار دهد چقدر اهمیت دارد و می‌تواند نقشی اساسی در پیروزی یا شکست طرفین جنگ ایفا کند و امیر المومنین (ع) نیز به لشکریان خود بر آن تاکید کرده و دستور نصب عیون را به فرماندهان لشکر خود می‌دهد.

۳-۱-۳. منافقین و معاندین داخلی

در زمان پیامبر اکرم (ص) و امیر المومنین (ع) که موفق به برپایی حکومت اسلامی شدند و نیز در زمان سایر ائمه، اخبار مربوط به منافقین و دشمنان داخلی از طرق مختلف به آنان می‌رسید که این دریافت اخبار از دو طریق بوده است:

اول اینکه به درخواست خود پیامبر و ائمه و با گماشتن عیون ثابت و یا دادن مأموریت ویژه به افرادی در موارد و موضوعات خاص، صورت می‌گرفته است.

دوم اینکه خود مردم و اصحاب به دلایل مختلف احساس وظیفه کرده و اخبار پنهانی و مخفیانه منافقان را در اختیار پیامبر و یا ائمه قرار می‌دادند که مورد تأیید یا تحسین ایشان قرار می‌گرفت. که در نتیجه می‌توان آن را مهر تأییدی بر درستی و لزوم انجام تجسس و نقل اخبار سری منافقین دانست.

به عقیده‌ی دعووش‌العاملی نیز در کتاب خود، برخی از اوضاع واحوال و عملکرد آنان نشان می‌دهد که این نیروها صرفاً احساس وظیفه کرده و از سوی دیگر اطلاع و اشراف آنان بر عملکردها و فعالیت‌های محرمانه و سری دشمنان داخلی و خارجی، کاری ساده و معمولی نیست، که جز در سایه وجود دستگاه سازمان یافته امنیتی و با اهداف مشخص میسر نمی‌شود. (العاملی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵) که در ادامه به مواردی از آن می‌پردازیم.

پس از ماجرای غدیر خم و تعیین امام علی (ع) به جانشینی پیامبر ص عده‌ای از قریش که دور یکدیگر جمع شده بودند، به دور از چشم پیامبر اکرم و دیگران، نسبت

به جانشینی امام اظهار تأسف میکردند و تبعیت از یک سوسمار را بر تبعیت از امام علی ع برتر بیان می‌کردند. ابوذر از صحابه پیامبر (ص) و امیر المومنین (ع) که در حال عبور از اطراف آنان بوده‌اند، سخن آنان را می‌شنود و به پیامبر اطلاع می‌دهد. پیامبر نیز آنها را احضار و در مورد صدق این خبر پرسش می‌کند که پس از تکذیب از جانب آنها، جبرئیل این آیه را نازل می‌کند: «يَخْلُقُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةً الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بِعَدْلِ إِسْلَامِهِمْ...» (توبه/۷۴) (به خدا سوگند می‌خورند که [سخن ناروا] نگفته‌اند، در حالی که قطعاً سخن کفر گفته و پس از اسلام آوردنشان کفر ورزیده‌اند...)

این موضوع نشان می‌دهد که خبر رسانی ابوذر از صحبت‌های مخفیانه آن گروه، با ممانعت و تقبیح پیامبر مواجه نشد و نیز اینکه ایشان با اعتماد به خبر واحد ابوذر، از آنان به نحوی پرسش یا بازجویی می‌کند. همچنین اینکه ابوذر به عنوان یکی از نزدیکترین افراد به پیامبر و امیر المومنین، که از نزدیک با این دو بزرگوار همنشین و با آموزه‌های اسلام در تماس بوده است تشخیص می‌دهد که باید صحبت‌های آنان را بدون اینکه آنها مطلع شوند گوش دهد و فوراً در اختیار پیامبر قرار دهد.

همچنین داریم که در سال ۳۸ هجری در آستانه جنگ نهروان، امام علی (ع) فردی را فرستاد تا گروهی از کوفیان که قصد ملحق شدن به لشکر خوارج را داشتند ولیکن از این کار می‌ترسیدند، تحت نظر داشته باشد که در بازگشت، حضرت از او پرسیدند «ایمن شدند و بر جای ماندند؟ یا ترسیدند و فرار کردند، مرد گفت «ترسیدند و به خوارج پیوستند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱)

۳-۱-۴. کسب اخبار از چگونگی اوضاع مردم و جامعه (عریف و نقیب)

«عریف به کسی گفته می‌شود که امور مردم یا عده‌ای از آنها را به عهده بگیرد و سرپرستی آنها در امور گوناگون به عهده اوست به نحوی که هرگونه تحرکی را که از جانب مردم سرزند یا هر اقدامی را که بخواهند انجام دهند طی گزارشی به حاکم یا فرمانده وقت می‌رساند... و در واقع آنها به مانند جاسوسان حکومت در امور مربوط به مردم خود بوده‌اند و هر حرکتی را که علیه حکومت بوده و آن را مورد تهدید و خطر

قرار می‌داده، متوجه شده و مسئولین حکومت را آگاه می‌کردند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱)

امام رضا علیه السلام به نقل از پدر بزرگوار خود می‌فرمایند: «رسول اکرم (ص) از اصحاب خود سراغ می‌گرفتند و تفقد می‌فرمودند و از مردم در مورد مسائلی که بین خود مردم بود سؤال می‌کردند...» (غفاری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۴۰)

۳-۱-۵. تحقیق و تفحص در ازدواج

در مورد ازدواج و اهمیت آن دستورات و توصیه‌های بسیاری وجود دارد و به تبع آن در مورد اهمیت گزینش و انتخاب همسر خوب چه از ناحیه مرد و چه از ناحیه زن توصیه زیادی شده است. غالب این دستورات بر پایه تحقیق و تفحص و به عبارتی تجسس در زندگی خود فرد، خانواده و بستگان وی و حتی دقت و بررسی در نسل آن‌هاست. این بررسی‌ها معمولا شامل ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری، ژنتیکی و ارثی، اصالت خانوادگی، سلامت جسمی و فیزیولوژیک، و زیبایی‌های چهره و اندام فرد است که به تعبیر صحیح‌تری تمامی ابعاد زندگی یک فرد را در بر می‌گیرد و در نهایت به اطلاعات مربوط به حریم خصوصی وی دسترسی پیدا می‌شود. به تعدادی از روایات در این زمینه به اختصار اشاره خواهیم کرد.

رسول اکرم (ص) یکی از معیارهای شناخت همسر را این‌گونه بیان می‌کنند که: "برای نسل و اولاد خود همسر پاکی (از بین افراد خوب) جستجو کنید و دایی، نمونه‌ای برای شناخت خواهرزاده خویش است." (حائری، ۱۳۹۱، ص ۱۸۷)

۳-۲. استثنائات در نظارت پسینی

۳-۲-۱. دادخواهی مظلوم علیه ظالم

علیرغم تأکیدات اسلام مبنی بر پرده پوشی از بدی‌ها و امور ناصواب و نیز رعایت حسن ظن در تعاملات افراد جامعه اسلامی، در قرآن کریم مجوزی صادر شده است که فرد می‌تواند ظلم به خویش را فریاد بزند و به اطلاع دیگران برساند (۴).

۲-۲-۳. متظاهرين به فسق و هرزگی

یکی از موارد خروج از قاعده غیبت، در مورد کسی است که آشکارا گناهی می‌کند و اصطلاحاً "متجاهر به فسق" است که اگر گناهِش را پشت سر او بازگو کنند ایرادی ندارد، ولی باید توجه داشت این حکم مخصوص گناهی است که نسبت به آن متجاهر است. چرا که آمده است «در باره فاسق چیزهایی که باعث معرفی او در میان مردم شود، بگویند و فاسق را غیبت نیست». همچنین چون فسق امری علنی و در منظر عموم است، حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: «مَنْ ذَكَرَ رَجُلًا مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا عَرَفَهُ النَّاسُ لَمْ يَغْتَابْهُ» «کسی که پشت سر شخصی چیزی را یادآور شود که همه مردم می‌دانند غیبت نیست.» (کلینی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۵۸)

۳-۲-۳. حاکمان ظالم

از جمله کسانی که غیبت آن و افشای اطلاعات مرتبط با وی در اسلام ممنوع نشده است حاکمی است که رعیت و مردم ظلم می‌کند. پیامبر اکرم ص می‌فرماید: «چهار گروه‌اند که غیبت آن‌ها غیبت محسوب نمی‌شود: فاسقی که به فسق و گناه تظاهر می‌کند، رهبر و پادشاهی که اگر احسانی کنی، تشکر نمی‌کند و اگر بدی کنی نمی‌بخشد، کسانی که نسبت به مادران بدگویی می‌کنند، و کسانی که از امت من خروج و به آنها بدگویی کرده و به روی امتم شمشیر می‌کشند.» (راوندی، بی تا، ص ۱۸)

با توجه به خود حدیث به نظر می‌رسد ریشه استثناء شدن چنین حکامی، ظلم و ستم آنها بر مردم و به دنبال آن رفع احترام آنان در بین جامعه است.

۵-۲-۳. مخلان امنیت مردم

«أَرْبَعَةٌ لَيْسَ غَيْبَتُهُمْ غَيْبَةً...: الْخَارِجُ مِنَ الْجَمَاعَةِ الطَّاعِنُ عَلَى أُمَّتِي الشَّاهِرُ عَلَيْهَا بَسِيغُهُ.» (راوندی، بی تا، ص ۱۸) حضرت رسول (ص) برای کسانی که از جماعت امت خروج کرده و نسبت به مردم بدگویی می‌کنند و به روی مردم سلاح و شمشیر می‌کشند، حرمتی قائل نمی‌شوند و آنها را از قاعده حرمت غیبت خارج می‌کند و شاید دلیل آن می‌تواند لزوم اطلاع‌رسانی و افشاسازی اقدامات پنهانی در خفا و حریم

خصوصی باشد و نیز این که با غیبت در واقع این اطلاعات مرتبط که ممکن است هیچ کس از آن مطلع نباشد، در اختیار عموم قرار می گیرد

۴. جایگاه حریم خصوصی در قوانین ایران

۴-۱. حریم خصوصی در قانون اساسی

نظام حقوقی کشورمان سی و اندی سال پیش بواسطه انقلاب اسلامی برای اولین بار با مفاهیم مرتبط با حقوق مردم و ملت و خصوصا حریم خصوصی آشنا شده است؛ و به بیان بهتر با تدوین قانون اساسی بستری برای توجه به حریم خصوصی مردم فراهم شد. قانون اساسی در اصولی چند به اهمیت حریم خصوصی پرداخته است اصولی که مستقیم یا غیر مستقیم از حریم خصوصی و حمایت از آن دفاع کرده است.

مثلا در اصل دوم قانون اساسی، ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا یکی از پایه های نظام جمهوری اسلامی بیان شده است. (۵) در فصل سوم به طور مجزا به حقوق ملت تحت این عنوان می پردازد و تصریح می کند که «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» (اصل بیستم قانون اساسی)

همچنین در راستای تبیین بحث حریم خصوصی اقدام به محدود کردن مواردی که این حق را تحدید یا نقض می کند می پردازد. در اصل بیست و دوم نیز مواردی چون حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را مصون از تعرض اعلام می کند و فقط قانون را تنها ارائه کننده مجوز برای نقض و رفع این مصونیت معرفی میکند. (۶) قانون اساسی علاوه بر این موارد نظری و تا حدودی هم کلی، به سراغ جزئیات و مصادیق نقض حریم خصوصی نیز رفته و با برشمردن مواردی چون بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و استراق سمع و... هرگونه تجسس را ممنوع و البته بدون ذکر دلیل و مبنایی برای نقض حریم

خصوصی به این امر اکتفا کرده است که به موجب قانون می‌توان اینگونه امور را انجام داد. (۷)

این نکته بسیار مورد توجه خواهد بود که حریم خصوصی مردم در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، محترم بوده و مورد حمایت قرار گرفته است و در مقابل، نقض و تحدید این حق را نیز جایز و ممکن می‌داند. و مهم‌تر از آن اینکه بدون ذکر دلیل و ارائه‌ی ملاک و مبنا، جواز نقض حریم خصوصی را به قوانین عادی ارجاع می‌دهد. و اینجاست که این شبهه و دغدغه اساسی پیش می‌آید که با چه ملاک و مبنایی می‌توان این حق حیاتی و اساسی مردم را مورد تهدید و تحدید قرار داد.

برای برون رفت از این مسأله، به ناچار اصل چهارم قانون اساسی می‌تواند گشایش گر راهی باشد که با پیمودن آن بتوان جوابی در خور پیدا کرد. چرا که طبق این اصل که بر عموم و اطلاق سایر اصول حاکم است کلیه قوانین و مقررات دیگر باید منطبق با موازین اسلامی باشد. (۸)

نکته مهم در افزودن و تصویب این اصل جلوگیری از خطری بود که «اکثریت کشورهای اسلامی با وجود اعتراف صریح به اسلامی بودن نظام در قوانین اساسی آن‌ها عملاً به اسم بسنده شده و در چند مورد نادری هم که حتی فقه اسلامی را به عنوان قانون خود برگزیده‌اند در عمل به بهانه استفاده از دست‌آوردهای علم و تمدن و تجربیات پیشرفته بشری به همان چنداصل کلی از اسلام اکتفا نموده و راه غرب و شرق را پیش گرفته‌اند.» (عمیدزنجانی، بی تا، ص ۱۱۹) پیش‌بینی چنین اصلی ضامن عدم انحراف قوانین و در پی آن نظام اسلامی از این آرمان است.

در نتیجه در موضوع مورد مناقشه برای یافتن مبانی و دلایل لازم جهت نقض و استثنا قائل شدن در حریم خصوصی باید به سراغ منابع و مبانی دین مبین اسلام رفت تا در تصویب قوانین و مقررات مرتبط طبق دستور قانون اساسی عمل کرده باشیم.

۴-۲. حریم خصوصی در سند چشم‌انداز (طرح جامع ارتباطات و فناوری اطلاعات)

در سال ۱۳۸۲ در جهت آینده‌نگری برای ایران اسلامی، مصوبه‌ای تحت عنوان "سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی" به تصویب

مجلس شورای اسلامی می‌رسد که یکی از موارد مورد نظر قانون‌گذار که با دقت بجا و شایسته تقدیری همراه است، جایگاه حریم خصوصی افراد می‌باشد که البته تحت عنوان مفاهیمی چون "آزادی‌های مشروع" و "حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی" (۹) بیان می‌گردد، و نقطه عطفی بر توجه مضاعف قوای سه‌گانه بخصوص مجلس شورای اسلامی و دولت گذاشته می‌شود.

یکی از ثمرات این سند در حوزه حریم خصوصی، طرح جامع ارتباطات و فناوری اطلاعات می‌باشد. همانطوری که در مقدمه "طرح جامع ارتباطات و فناوری اطلاعات" بیان شده است، این طرح از جمله نتایج و پیامدهای تصویب سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران و در پی آن ابلاغ سیاست‌های کلی نظام و سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام معظم رهبری محسوب می‌شود. با توجه به تناسب و نزدیکی موضوع محوری این طرح که "ارتباط و تبادل اطلاعات بین اقشار مختلف مردم بایکدیگر است"، با موضوع بحث "حریم خصوصی" لازم است که مبانی فکری و عقیدتی موجود در آن از نظرگاه این نوشتار مورد بررسی قرار بگیرد.

در این طرح در تعدادی از مواد خود که به مباحث مربوط به ارتباطات و فناوری اطلاعات می‌پردازد، مسائلی را مطرح می‌کند که به حریم خصوصی و حمایت از آن و در عین حال به تحدید و نقض آن مرتبط می‌شود.

در همان ابتدا در ماده یک به بیان اهداف مقرر در طرح پرداخته می‌شود و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات را عهده دار انجام ملزومات آن معرفی می‌کند. طبق بند خ این ماده "نهادینه نمودن رعایت الزامات دفاعی، امنیتی و پدافند غیر عامل در کلیه امور مربوط به بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات" از آن جمله است. این بند یکی از موثرترین مواد در ایجاد محدودیت‌ها در حریم خصوصی افراد است که در سایر مواد پیشنهادی در ادامه طرح خود را آشکارتر نمایان می‌کند.

در ماده ۳ طرح، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات متولی بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات و تامین‌کننده امنیت آن برشمرده می‌شود که امر مطلوبی است ولی ضعف آن در این نکته نهفته است که در ادامه ماده، راه ایفای این وظیفه و مسئولیت را بر عهده "شرکت زیرساخت ارتباطات"، "سازمان فناوری اطلاعات"، "شرکت پست" و ... می‌گذارد (۱۰) که به نظر می‌رسد هیچ‌کدام مرجع خوبی برای تامین امنیت این

بخش نبوده و حتی بر خلاف مسائل امنیتی و مصلحت است. بنابراین بهتر بود مرجع خاصی را عهده‌دار این مسئولیت خطیر قرار می‌داد تا احتمال به خطر افتادن حریم خصوصی افراد جامعه به خطر نیفتد. در بند "ح" همین ماده با تصریح و شفافیت بیشتری به حمایت از حریم خصوصی استفاده‌کنندگان می‌پردازد و «تامین و توسعه مؤلفه‌های ایمنی، امنیت و پایداری شبکه زیر ساخت ارتباطات در برابر انواع تهدیدات و مخاطرات و حفاظت از حقوق استفاده‌کنندگان» را برای وزارت ارتباطات و وظیفه‌ای مهم برمی‌شمرد.

در بند "خ" همین ماده ۵ هنگامی که از اجازه قطع امکانات مخابراتی افراد حقیقی و حقوقی که مبادرت به ترانزیت مکالمات بین الملل بدون ورود به درگاه سوئیچ بین الملل صحبت می‌کند در لفافه اجازه نظارت و ورود به ارتباطات خصوصی افراد که لازمه تشخیص و بررسی این تخلف است را نیز صادر می‌کند.

البته طرح مورد بررسی بیان نکرده است که این مورد که به نقض حریم ارتباطات خصوصی افراد می‌انجامد طبق چه ضابطه و دلیلی صورت می‌گیرد و به بیان دیگر بنا به چه ضرورت و اضطراری و با مجوز چه شخص یا نهادی باید اتفاق بیافتد. اگرچه می‌توان برای آن دلیلی همچون امکان سوء استفاده از ارتباطات علیه مصالح و منافع ملی و یا بر ضد نظام اسلامی متصور بود (کما اینکه در دنیای امروزه نیز به هیچ وجه دور از ذهن نیست) و از آن‌جایی که این احتمال، یک احتمال عقلایی محسوب می‌شود، به حکم عقل و شرع لازم است که برای آن نظارت‌های لازم انجام گیرد. البته این ایراد به ماده وارد است که باید عدم امکان اجرای راه‌های متعارف دیگر که به تحدید حریم خصوصی ارتباطات افراد نیانجامد را مورد بحث قرار می‌داد.

از جمله موادی که در این طرح بهتر بود که در مورد کل حوزه ارتباطات و انواع آن پیش‌بینی می‌شد و آن را فقط به حوزه سازمان فضایی کشور محدود نمی‌کردند، "لزوم بایگانی و تمرکز در نگهداری اطلاعات و نیز طبقه‌بندی آن" است که در بند "د" ماده ۸ بیان شده (۱۱)، بدون شک لازمه‌ی حمایت از حریم خصوصی، طبقه‌بندی اطلاعات مرتبط با آن است که باید مورد دقت قرار گرفته، و علاوه بر آن برای تکمیل این حمایت باید برای نحوه دستیابی به این اطلاعات و جزئیات آن نیز ضوابطی مطرح می‌شد که مورد غفلت قرار گرفته است.

ماده ۱۰ با عنوان حقوق و تکالیف بهره‌برداران و ارائه دهندگان خدمات در بند "ث" خود می‌آورد: «ذخیره سازی اطلاعات و مکالمات صرفاً به منظور ارائه به مراجع قضایی و اطلاعاتی ذی صلاح، پس از ارائه و اخذ مجوز و دستور مقامات قضایی» علی‌رغم اهمیت بسیار زیاد و تأثیرگذار این بند از ماده، نگارش دقیق و موشکافانه‌ای در آن دیده نمی‌شود. اولاً اینکه با عنایت به عنوان فصل سوم و صدر ماده ۱۰ که به حقوق و تکالیف بهره‌برداران و ارائه کنندگان خدمات تصریح می‌کند، معلوم نیست چرا ذخیره سازی اطلاعات و مکالمات استفاده‌کنندگان در این بند استثناء شده و نیامده است. چرا که به استناد ماده و این بند اطلاعات مربوط به استفاده کنندگان، غیرقابل ذخیره سازی است. ثانیاً علت اینکه گفته است ذخیره سازی اطلاعات باید «پس از ارائه و اخذ مجوز و دستور مقامات قضایی» صورت بگیر نا معلوم است. چراکه لازمه مصالح ملی و منافع جامعه و حفظ نظام اسلامی جهت پیشگیری و یا برخورد با مجرمین ذخیره سازی اطلاعات در سوابق زمانی و تاریخی معقول و متعارف است. حال آنکه این کار منوط به ارائه مجوز و صدور دستور قضایی شده است. البته این کار از جهت احترام به حریم خصوصی افراد و جامعه بسیار خوب و مطلوب است ولی با توجه به مبانی استثنائات وارد بر حریم خصوصی اسلام که به آن پرداختیم به نظر این نوشتار باید موارد مطروحه مورد نظر قرار می‌گرفت.

ایراد و ابهام دیگری که در این ماده مشاهده می‌شود تفاوت بی‌دلیلی است که در بند "د" آن با بند "ث" قائل شده است و معلوم نیست که اطلاعاتی را که در این بند می‌توان بدون حکم قضایی و بدون هرگونه دلیلی به صرف در خواست مراجع امنیتی ارائه کرد چه تفاوتی با اطلاعات مذکور در بند "ث" دارد. علاوه بر این مراجع امنیتی و اطلاعاتی در هر دو بند کلی است و بهتر است که به دقت ذکر شود تا نقض حریم خصوصی افراد محدود به موارد اضطرار و مواقعی شود که راه متعارف و معقول دیگری برای هدف بزرگ و مهمتر در پیش رو وجود نداشته باشد.

نتیجه گیری

زندگی اجتماعی ناگزیر از رعایت یک سری الزامات مرتبط با آن است که طبیعت دوگانه فردی و جمعی وی، چنان بهم آمیختگی ای بوجود آورده است که جمع میان آن دو بر این مشکل افزوده است. از مهم‌ترین این الزامات برای دستیابی به زندگی مسالمت آمیز افراد در کنار یکدیگر شفاف سازی مفهوم حریم خصوصی و تبیین حیطه، حقوق و تکالیف متقابل فرد و جامعه در این زمینه است؛ چراکه احتمال سوء استفاده از حقوق علیه دیگری از مهم‌ترین دغدغه‌های طرفین این رابطه دوسویه است. در این راستا قدم اول در وصول به هدف این است که از زاویه دید حقوق عمومی مبانی احترام حریم خصوصی در حمایت از افراد و نیز مبانی استثنائات وارد بر آن در حمایت از حکومت به نمایندگی جامعه، مشخص و معلوم گردد. به همین منظور در این پژوهش به سراغ منابع دین اسلام که جامعه و نظام حقوقی ایران متأثر از آن است رفته‌ایم.

با بررسی‌های صورت گرفته، بیان شد که مبانی حمایت از حریم خصوصی را می‌توان این‌گونه در پنج اصل احصاء کرد: پاسداشت کرامت انسانی؛ احترام به حریم و حرمت مؤمن؛ حرمت اذیت و آزار دیگران خصوصاً مومنین؛ امانت‌داری و رازداری؛ منع اشاعه فحشاء در جامعه و حفظ سلامت اخلاقی. به این ترتیب حقوق مردم از بعد فردی در جامعه مورد تاکید اسلام واقع شده است و لی از آن سو، به حقوق جامعه در نگاه کلان که حکومت را میتوان نماد و نماینده آن برشمرد نیز باید توجه شود. در قرآن و در بیانات معصومین و سیره آن حضرات مواردی را آوردیم که به دلایلی حریم افراد از قشرهای مختلف مورد نقض قرار گرفته است. مجموع این افراد فارغ از دلیلی که بوده و حریم خصوصیشان مورد نقض قرار گرفته در این گروه‌ها: «کارگزاران حکومتی؛ دشمنان خارجی؛ منافقین و معاندین داخلی؛ کودک و نوجوان از جانب اولیاء خود؛ موارد مصرح در استثنائات غیبت» و مواردی که اخبار و اطلاعاتشان افشاء می‌شود در این دسته بندی‌ها می‌گنجد: «فاسقی که اخباری را بیان می‌کند؛ ظالم از جانب فردی که مظلوم واقع شده است، مشورت خواهی در امر ازدواج، فرد فاسق؛ حاکم ظالم؛ مخلان امنیت و بدعت‌گذاران».

در ادامه جایگاه حریم خصوصی در حقوق ایران مورد بررسی قرار گرفت که شامل قانون اساسی و سند چشم انداز می شود که منجر به تصویب طرح جامع ارتباطات و فناوری اطلاعات گردید. در طرح جامع ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز اگرچه در مبنای تحدید حریم خصوصی تطابق‌هایی با مبانی اسلامی به چشم می‌خورد ولی در لابلای مباحث دیگر پنهان و به نادرستی‌هایی آمیخته شده است.

در نهایت پیشنهاد این مکتوب این است که اولاً مبانی استثنائات وارد بر حریم خصوصی اسلام در نگاه حقوق‌دانان حقوق عمومی و قانون‌گزاران کشورمان بیشتر مورد توجه قرار گرفته و پرداخته شود و ثانیاً اینکه در تدوین طرح‌ها و لوایح مزبور و این‌چنینی از آن‌ها به صراحت نام برده تا برای جامعه حقوقی تصور مبانی آن امکان‌پذیر و برای عموم مردم جامعه که این لایحه قرار است با حقوق آنان مرتبط باشد بحث اهم بودن مصلحت اجتماع و افراد در موارد اضطرار نسبت به حریم خصوصی، قابل درک و پذیرش باشد.

یادداشت‌ها

(1) Reductionist Approach

(۲) «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» قرآن کریم: اسراء/۷۰

(۳) «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» قرآن کریم: نور/۱۹

(۴) «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا» قرآن کریم: نساء/۱۴۸

(۵) اصل دوم قانون اساسی: "جمهور اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: ۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او. ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین. ۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا. ۴- عدل خدا در خلقت و تشریح. ۵- امامت و

- رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام. ۶ - کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا"
- (۶) اصل بیست و دوم قانون اساسی: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.
- (۷) اصل بیست و پنجم قانون اساسی: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.
- (۸) اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.
- (۹) جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر: مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی. (سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴)
- (۱۰) ماده ۳: « وزارت متولی بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات و تأمین‌کننده امنیت آن است و برای مسئولیت‌های یاد شده، شرکت زیرساخت ارتباطات، سازمان فناوری اطلاعات، شرکت پست ایران، سازمان فضایی ایران و سازمان تنظیم مقررات ارتباطات رادیویی و مؤسسه آموزش و تحقیقات پیشرفته ارتباطات و فناوری اطلاعات را مطابق این قانون تشکیل و اداره می‌نماید
- (۱۱) ایجاد بایگانی ملی و تمرکز در نگهداری و طبقه‌بندی و به‌هنگام‌سازی اطلاعات فضایی

- نهج البلاغه
- الف. کتب فارسی
- ۱. انصاری، باقر (۱۳۸۶)، حقوق حریم خصوصی، تهران: سمت
- ۲. حائری، محمد حسن، شاملی، نصرالله، علی اکبری بابوکانی، احسان (۱۳۹۱)، تجسس، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام
- ۳. دهموش العاملی، علی (۱۳۸۷)، دایره المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی، ترجمه باقری مهبیاری، غلامحسین؛ گرمابدی، رضا، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)
- ۴. ستوده، رضا (۱۳۶۰)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی
- ۵. شریعتی، سعید (۱۳۸۴)، حقوق ملت و دولت در قانون اساسی، تهران: کانون اندیشه جوان
- ۶. صادقی اردستانی، احمد (۱۳۷۶)، ترجمه نوادر راوندی، تهران: بنیاد کوشانپور
- ۷. عمید زنجانی، عباسعلی (بی تا)، مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جامعه کنونی ایران و انقلاب اسلامی)، تهران: جهاد دانشگاهی
- ۸. غفاری، علی اکبر (۱۳۶۷)، ترجمه من لا یحضره الفقیه، تهران: نشر صدوق
- ۹. محسنی، فرید (۱۳۸۹)، حریم خصوصی اطلاعات (مطالعه کیفی در حقوق ایران، ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام
- ۱۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۷)، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث
- ۱۱. مستفید، حمید رضا؛ غفاری، علی اکبر (۱۳۷۲)، ترجمه عیون أخبار الرضا (ع)، تهران: نشر صدوق
- ۱۲. منتظری نجف آبادی، حسینعلی (۱۴۰۹ هـ ق)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه: صلواتی، محمود و شکوری، ابوالفضل، قم: مؤسسه کیهان
- ب. کتب عربی

۱۳. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم: انتشارات جامعه مدرسین
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام
۱۵. موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا)، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم
۱۶. راوندی، سید فضل الله (بی تا)، النوادر للراوندی، دار الکتب: قم
۱۷. شیخ صدوق (۱۳۷۸ ه.ق)، عیون أخبار الرضا (ع)، تهران: نشر جهان
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه
۱۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۷ ه.ق)، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، تهران: نشر اسلامیه
- ج. مقالات و پایان نامه ها
۲۰. کدیور محسن (۱۳۸۶)، «حقوق غیر مسلمانان در اسلام معاصر»، مجله آیین، شماره ۶
۲۱. سالارزایی، امیر حمزه (۱۳۹۰)، «مطالعه‌ی تطبیقی حقوق غیرمسلمانان اهل ذمه در قانون اساسی ایران و پاکستان» فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۸
۲۲. شذی خفاجی (۱۳۸۹)، «حقوق اقلیت ها در حکومت اسلامی»، ترجمه مهدی حسینیان، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۳
۲۳. خرازی، سید محسن (۱۳۸۸)، «کاوشی در حکم فقهی تجسس»، فصلنامه فقه اهل بیت، شماره ۲۶
۲۴. انصاری، باقر (۱۳۸۳)، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۶
۲۵. اسدی، لیلآسادات (۱۳۸۸)، «حریم خصوصی کودک و حق والدین بر تربیت»، مجله فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۵۰
۲۶. رحمدل، منصور (۱۳۸۴)، «حق انسان بر حریم خصوصی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۰



د. قوانین

۲۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲۸. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری

۲۹. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

۳۰. سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران

۳۱. سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز؛ ابلاغی توسط مقام معظم رهبری